

مرور نظام مند مطالعات میان رشته‌ای قرآن و حدیث با تأکید بر رویکرد شناختی

فریده امینی^۱ - فاطمه حبیبی^۲ - سیده شیرین حجازی^۳

چکیده

بررسی کمی و کیفی پژوهش‌های انجام شده در هر حوزه مطالعاتی، درک صحیحی از روند انجام پژوهش‌ها، روش‌های مورد استفاده و چگونگی پیشرفت در آن زمینه را فراهم می‌آورد. همسو با انجام فعالیت‌های پژوهشی به‌ویژه در مطالعات میان رشته‌ای، که به دستاوردهای جدیدی انجامیده، ضروری است پژوهش‌ها با مروری نظام مند مورد ارزیابی قرار بگیرند تا از این طریق، نخست مطالعات پیشین، رویکردها و موضوعاتی که مورد توجه پژوهشگران بوده است، مشخص شود و دوم اینکه در نتیجه این کار سنجه‌ای برای انجام پژوهش‌های آینده در آن حوزه در دست باشد که از طریق آن، خلأها و زمینه‌های مناسب شناسایی و معرفی شود. از میان ابزارهای مطرح شده در حیطه مطالعات میان رشته‌ای قرآن و حدیث، پژوهش حاضر بر مرور نظام مند و ارزیابی استنادی مطالعات زبان شناسی شناختی متمرکز شده است؛ از این رو در این مقاله همه پژوهش‌های انجام شده در بازه

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه)، تهران. famini@alzahra.ac.ir

۲. دکتری علوم قرآن و حدیث و عضو گروه پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه)، تهران (نویسنده مسئول). f.habibi@alzahra.ac.ir

۳. دکترای تخصصی و عضو گروه پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (ع.ا.ه)، تهران. sshhejazi@gmail.com

زمانی سال‌های ۱۳۸۵ تا نیمهٔ اول ۱۴۰۰ در قالب ۱۱۲ مقاله، نه رساله، پانزده پایان‌نامه و شش کتاب بررسی شده است. بررسی سیر نشر آثار، نحوهٔ نشر، تعیین پیرکارترین نویسندگان و پراستنادترین کتاب‌ها و مقالات، محاسبهٔ میزان استناد به انواع محمل‌های اطلاعاتی، تعیین وضعیت پوشش زبانی استنادها، وضعیت مقالات پژوهشی، تعیین میزان و نحوهٔ مشارکت و همکاری محققان در انجام تحقیقات، ارزیابی کیفی آثار از حیث پیکرهٔ پژوهش، حیطةٔ پژوهش و ارزیابی محتوایی از جمله دستاوردهای پژوهش حاضر است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، زبان‌شناسی شناختی، مرور نظام‌مند، مطالعات میان‌رشته‌ای، تحلیل استنادی.

۱. بیان مسئله

اهمیت دادن به موضوع پژوهش در سیاست‌گذاری هر کشور نقش و جایگاه اساسی در روند توسعه خواهد داشت. در این میان توجه و سرمایه‌گذاری بیشتر در مطالعات علوم انسانی به دلیل رابطهٔ تنگاتنگ علوم انسانی با مفهوم توسعه اهمیت مضاعف دارد. (قاسمی و امامی میبیدی، ۱۳۹۴: ۲) شناخت و ارزیابی وضعیت پژوهش برای محققان امری ضروری است و بررسی کمی پژوهش‌های انجام‌شده می‌تواند تا حدودی روند پژوهش در هر رشته‌ای را مشخص کند و نشان دهد که پژوهشگران چه زمینه‌ها و سؤالاتی را برای پژوهش خود برمی‌گزینند، از چه موضوعاتی غفلت می‌کنند، در حیطةٔ مورد نظر پژوهش چه افرادی شاخص و تأثیرگذارند و پژوهش‌های ایشان بر محیط علمی چه اثری دارد. ارزیابی کمی برای درک بهتر فرایند تحقیقات علمی، تجزیه و تحلیل و دستیابی به الگوی رفتار علمی پژوهشگران و نویسندگان ابزار مؤثری است.

در سال‌های اخیر نگارش کتاب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها در حوزهٔ مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حدیث با رویکرد شناختی، روندی افزایشی داشته که این امر نشان‌دهندهٔ اهمیت، جایگاه و کاربرد این حوزهٔ مطالعاتی است. پژوهش حاضر برای پاسخگویی به یک نیاز و ضرورت مهم به انجام رسیده و آن عبارت است از: تبیین و تحلیل مسير طی شدهٔ مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حدیث با رویکرد شناختی، ارائهٔ

نقاط ضعف و قوت آثار موجود برای اصلاح روند پیش رو، گشودن دریچه‌های نوین مطالعاتی و نشان دادن زمینه‌های گسترده موجود فراروی پژوهشگران و علاقه‌مندان حوزه میان‌رشته‌ای.

اهمیت مطالعات مروری در تبیین مسیر آینده مطالعات علمی و البته فقدان پژوهشی با این رویکرد در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حدیث با زمینه شناختی، نویسندگان مقاله حاضر را بر آن داشت تا در یک فرایند علمی با روش مرور نظام‌مند به این مهم اقدام کنند. مطالعات مرور نظام‌مند برای پاسخ‌گویی به یک سؤال پژوهشی طراحی و انجام می‌شود و این مبتنی بر ارزیابی بدون سوگیری همه مطالعات پژوهشی مربوط به آن سؤال است.

هدف اصلی پژوهش حاضر در مرحله اول، استخراج تمام آثار پژوهشی شامل کتاب، مقاله علمی، رساله و پایان‌نامه‌هایی است که در حیطه مطالعات قرآنی و با رویکرد زبان‌شناسی شناختی نگارش یافته و در مرحله دوم ارزیابی کمی و کیفی این آثار است. لازم به ذکر است که بررسی متون خاکستری^۱ مورد نظر پژوهش حاضر نیست. همچنین توضیح این مسئله ضروری است که تمامی این آثار، اعم از کتاب و مقاله علمی برای رسیدن به مرحله چاپ از نظر محتوا مورد ارزیابی داوران محترم قرار گرفته است؛ بنابراین نقد و بررسی محتوای مقالات از حیث صحت نظرات و نتایج، بیرون از حیطه و اهداف پژوهش حاضر است.

با گسترش عرصه‌های گوناگون تحقیقاتی در رشته‌های مختلف، شاهد گسترش مکتوبات علمی هستیم؛ اما آنچه اهمیت بسزایی دارد، میزان بهره‌گیری از مستندات تولیدشده به عنوان محمل‌های اطلاعاتی است و البته بهره‌گیری از پژوهش‌های پیشین

۱. منابع خاکستری (Grey Literature) به انواع مختلفی از اسناد اطلاق می‌شود که در سطوح مختلف دولتی، دانشگاهی، تجاری و صنعتی به صورت چاپی یا الکترونیکی تهیه شده است؛ ولی تحت کنترل ناشران نیست و وارد بازار نشر نمی‌شود. (غفاری و عباس‌زاده، ۱۳۹۸: ۱۱)

مهارتی است که باید مدنظر قرار بگیرد. درباره پیشینه پژوهش لازم است این نکته ذکر شود که با توجه به اهمیت مطالعات مرور نظام‌مند و تحلیل استنادی آثار، این قبیل مطالعات بیشتر در رشته‌های پزشکی و زیرمجموعه‌های روان‌شناسی، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی و مدیریت اطلاعات انجام یافته و آثار متعددی در این زمینه به رشته تحریر درآمده است؛ از این رو به‌کارگیری این روش در بین پژوهشگران مطالعات قرآن و حدیث مغفول مانده و بدین‌سان می‌توان گفت که پژوهش حاضر پیشینه ندارد.

۲. روش‌شناسی

در برخی مطالعات اجتماعی، پژوهشگر مطالعات گذشته را به‌عنوان داده پژوهش خود در نظر می‌گیرد. روش‌های مختلفی برای بررسی این دست از مطالعات وجود دارد؛ از جمله آن‌ها مرور نظام‌مند، فراتحلیل و تحلیل استنادی است. مرور نظام‌مند مطالعه‌ای است که به مرور پیشینه یک موضوع علمی می‌پردازد و پژوهش‌های انجام شده درباره آن موضوع را به‌گونه‌ای سازمان‌دهی و خلاصه می‌کند، که باعث درک بهتر موضوع از سوی مخاطب شود. در این نوع مقالات نتایج علمی‌ای که درباره موضوعی خاص در مقالات قبلی ارائه شده است، جمع‌بندی و تحلیل می‌شود. در این روش، آخرین اطلاعات یک موضوع خاص بررسی می‌شود. بدین‌سان هدف از نگارش این قبیل مقالات تنها اطلاع‌رسانی نیست، بلکه ارزشیابی و تفسیر نیز هست. (Hall, 2003: 92-98)

مرور نظام‌مند و تحلیل استنادی به‌عنوان روش پژوهش حاضر به کار گرفته شده است. این روش از مهم‌ترین روش‌هایی است که برای استفاده از مستندات علمی تولیدشده، در کانون توجه پژوهشگران قرار دارد. مطالعه نظام‌مند متون عبارت است از: اقدام هماهنگ برای شناسایی منسجم همه پژوهش‌ها، استنباط نتیجه‌های جدید از نتایج پژوهش‌های قبلی، بررسی داده‌های مطالعات با کیفیت مطلوب و در بعضی موارد تجزیه و تحلیل کمی آن‌ها با روش استاندارد و نظام‌مند که برای پاسخ‌گویی به سؤالی مرتبط انجام می‌شود. مرور نظام‌مند متون چهارگام اساسی دارد:

۱. تصمیم‌گیری در زمینه نوع متونی که قرار است، مرور شوند؛
۲. مطالعه و درک آنچه نویسندگان در آثارشان آورده‌اند؛
۳. ارزیابی ایده‌ها، روش‌های پژوهشی و نتایج هرکدام از آن‌ها؛
۴. جمع‌بندی محتوای متون یا اسناد و شواهد مرور شده. (محمدزاده و دیگران، ۱۳۹۲:

(۲۳)

تحلیل استنادی از روش‌های کتاب‌سنجی است که رابطه میان مدرک استناددهنده و مدرک مورد استناد را بررسی می‌کند. هرگاه بکوشیم قواعدی را که بر این روابط حاکم است کشف کنیم، به تحلیل استنادی دست زده ایم. (همان) در استفاده از منابع برای تولید مقالات، معمولاً رفتارهایی بروز می‌کند که به اصطلاح به آن‌ها رفتار استنادی اطلاق می‌شود. رفتار استنادی شامل چگونگی استفاده از منابع، نوع تأکید بر موارد خاص، تکرار کاربرد برخی منابع، گرایش به متونی که به زبانی خاص منتشر شده و مواردی از این دست است. با توجه به نبود تحلیل‌هایی با رویکرد علم‌سنجی در حوزه مطالعات قرآنی به طور عام و مطالعات میان‌رشته‌ای مرتبط با آن به طور خاص، این مقاله در پژوهش‌های تحلیل استنادمحور روند نوینی بنا نهاده است که علاوه بر ارزیابی‌های پیش‌گفته، با ارائه مستندات در حوزه نویسندگان و البته استنادات مقالات، در پیچه نوی به روی پژوهشگران حوزه مطالعات قرآنی به ویژه مطالعات میان‌رشته‌ای با رویکرد زبان‌شناسی شناختی می‌گشاید.

بهره‌گیری از مرور نظام‌مند و تحلیل استنادی از کارکردهای مختلفی برخوردار است که در پژوهش حاضر به آن‌ها پرداخته می‌شود. مهم‌ترین این کارکردها ارزیابی کمی و کیفی پژوهش‌های صورت گرفته و دستیابی به الگوی رفتار علمی پژوهشگران در تولید آثار و بهره‌گیری از تلاش پیشینیان است.

۳. فرایند انجام کار

نظر به اینکه مرور نظام‌مند فعالیت‌های گروهی است، برای انجام پژوهش حاضر تیمی

متشکل از پنج نفر از پژوهشگران حوزه علوم قرآن و حدیث که زمینه تخصصی فعالیتشان مطالعات شناختی است، به جستجو و استخراج آثار پرداختند. جامعه آماری این مطالعه شامل پژوهش‌هایی است که در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۵ تا نیمه اول ۱۴۰۰ ثبت شده است.

برای جست‌وجوی همه‌جانبه در میان مستندات تولیدشده، هریک از اعضا جزئیات پیشنهادی خود درباره بانک‌های اطلاعاتی و کلیدواژه‌هایی را که می‌باید جست‌وجو مطابق آن صورت گیرد، مطرح کردند. پس از بررسی نظرات و جمع‌بندی ایده‌های مطرح شده، در گام اول برای شناسایی مستندات از آنجا که مطالعات علوم انسانی در این پایگاه‌ها به صورت گسترده پوشش داده می‌شود، تمام مقاله‌ها، رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌های نمایه‌شده در سایت‌های مگیران،^۱ نورمگز،^۲ ایرانداک،^۳ پرتال جامع علوم انسانی،^۴ پایگاه مرکز علمی جهاد دانشگاهی^۵ که در قلمرو مطالعات زبان‌شناسی شناختی قرآن و حدیث قرار داشت، با کلیدواژه‌های مربوط جست‌وجو شد.

در گام دوم براساس کلیدواژه‌های تعیین‌شده مانند معناشناسی شناختی،^۶ زبان‌شناسی شناختی،^۷ مطالعات شناختی،^۸ استعاره مفهومی،^۹ طرح‌واره تصویری،^{۱۰} چندمعنایی،^{۱۱} رویداد حرکتی تالمی،^{۱۲} دستور شناختی لانگاکر،^{۱۳} افعال وجهی،^{۱۴}

1. <https://www.magiran.com/>

2. <https://www.noormags.ir/>

3. <https://irandoc.ac.ir/>

4. <http://www.ensani.ir/>

5. <https://www.sid.ir/>

6. Cognitive Semantics.

7. Cognitive Linguistic.

8. Conceptual Studies.

9. Conceptual Metaphor.

10. Image Schema.

11. Polysemy.

12. Motion Event.

13. Cognitive Grammar.

14. Modal Verb.

رویکردهای ساختی،^۱ مقوله بندی،^۲ آمیختگی مفهومی،^۳ فضا‌های ذهنی^۴ و مجاز مفهومی^۵ به عنوان واژگان کلیدی مطرح در زبان شناسی شناختی جست و جوشد. در جست و جوی اولیه برای دستیابی به اطلاعات دقیق تر، کلیدواژه‌های قرآن یا حدیث که محدودکننده پژوهش است، جست و جوی نشد و در گام سوم پس از به دست آمدن همه مستندات بر پژوهش‌هایی تمرکز شد که از مطالعات زبان شناسی شناختی در حیطه قرآن و حدیث بهره گرفته‌اند. به این ترتیب ۱۱۲ مقاله دستیاب شد که دسترسی به متن کامل همه آنها ممکن بود. همچنین در بازه زمانی یادشده نه رساله، پانزده پایان نامه کارشناسی ارشد و شش اثر نیز در قالب کتاب تولید شده است که مورد توجه قرار گرفت. لازم به ذکر است که در میان مستندات، مواردی به دلایل زیر حذف شد:

۱. در برخی موارد، نمونه‌های به دست آمده خارج از بحث شناختی بود و تنها به این دلیل که در عنوان مقاله، کلیدواژه‌ها یا چکیده، واژگان مشترک یا مشابه مطالعات زبان شناسی و دیگر علوم به کار رفته بود، در فهرست اولیه قرار گرفت؛ به عنوان مثال می‌توان به واژه‌های «شناختی»، «چندمعنایی»، «افعال وجهی» اشاره کرد که در ویرایش اطلاعات، دوباره متن و چکیده مقالات مورد بررسی و اصلاح قرار گرفت و این مقالات از فهرست خارج شد؛ مثلاً مقالات «رویکرد زبان شناختی پیرامون چندمعنایی واژه "رحمة" در قرآن» و «ترتیب اسامی "عزیز" و "حکیم" خداوند بر مبنای نظریه شناختی شکل وزمینه». بیش از صد مقاله با محوریت کلیدواژه وجهیت (افعال وجهی) بررسی شد. در میان این موارد، تنها سه مقاله با رویکرد دستور شناختی مشاهده شد. علت حذف دیگر مقالات عموماً نقش‌گرا یا ترجمه محور بودن رویکرد آنها به مقوله وجهیت بود.

-
1. Constructional Approach.
 2. Categorization.
 3. Conceptual Blending.
 4. Mental Space.
 5. Conceptualmetonymy.

۲. نمونه‌های به‌دست آمده از بحث شناختی خارج بوده و رویکرد ترجمه داشت و فقط به علت اینکه در عنوان مقاله یا در کلیدواژه‌ها واژه «استعاره» استفاده شده بود، در فهرست اولیه قرار گرفت؛ اما پس از بررسی مجدد و ویرایش اطلاعات، از فهرست خارج شد؛ به‌عنوان نمونه «روش‌شناسی برگردان تصویرهای استعاری صحنه‌های قیامت در قرآن براساس الگوی نیومارک» و «بررسی تطبیقی ترجمه استعاره‌های قرآن کریم در ترجمه رضایی اصفهانی، انصاریان و صفوی».

برای آمارگیری از مستندات از نرم‌افزار اکسل استفاده شد و هر وقتی که آمار به‌دست آمده نیازمند به‌روزرسانی بود، برای دستیابی به جامعه آماری دقیق، اطلاعات به‌روزرسانی شد. مستندات مربوط به مطالعات واردشده در مرور نظام‌مند، در جدولی مشابه جدول زیر جمع‌آوری شد و داده‌ها در حین کار و پیش از تجزیه و تحلیل چندین بار بررسی، اصلاح و بازخوانی گردید.

ردیف	عنوان اثر	نام نویسنده / نویسندگان	سال انتشار	نوع انتشار (مقاله / رساله / پایان‌نامه / کتاب)	گرایش علمی نویسنده (علوم قرآن و حدیث / زبان‌شناسی / ادبیات عرب و چاپ‌شده / ...)	رویکرد پژوهش (بررسی آثار / نام مجله و براساس رویکردهای مطرح در مطالعات شناختی)	چکیده اثر
۱	استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی	خدیجه حاجیان (استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس)، عالیه کرد زعفرانلو (استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس)	۱۳۹۱	مقاله علمی - پژوهشی	زبان‌شناسی	استعاره مفهومی	هدف از نگارش این مقاله، بررسی زبان‌شناختی استعاره جهتی در قرآن با توجه به رویکرد ...

جدول (۱) مستندات پژوهشی

پس از این مرحله با هدف تحلیل استنادی به استخراج و تحلیل کمی-کیفی استنادات (منابع کتابنامه) پرداخته شد. به همین منظور پس از استخراج کامل استنادهای همه مقالات، به تحلیل استنادی پرداخته شد که در بخش ۶ به تفصیل به آن پرداخته خواهد شد.

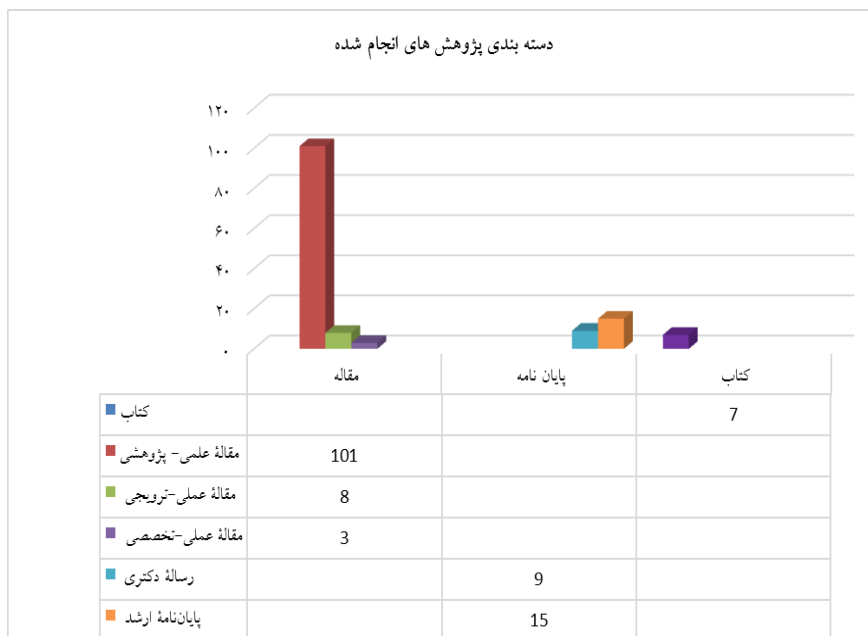
آنچه در ادامه می‌آید ارزیابی کمی شامل نحوه انتشار پژوهش‌ها، توزیع فراوانی انتشار آثار، میزان استناد به آن‌ها، پراستنادترین آثار، تعیین پوشش زبانی، میزان مشارکت، معرفی نشریه‌های فعال و حوزه تخصصی مؤلفان آثار است و در بخش ارزیابی کیفی (بخش ۷)، حیطه مطالعات و ارزیابی محتوایی مورد توجه قرار می‌گیرد.

۴. نحوه انتشار آثار

بررسی نحوه انتشار آثار نشان می‌دهد که بیشتر آثار منتشر شده در فرمت (قالب) مقاله است. تعداد صد مقاله علمی-پژوهشی، هشت مقاله علمی-ترویجی و دو مقاله علمی-تخصصی حاصل تلاش پژوهشگران در سال‌های اخیر است. افزون بر این، پانزده پایان‌نامه و نه رساله دکتری در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرد.

نظر به اینکه مقالات، بیشتر مسئله‌محورند و کتاب‌ها بیشتر به صورت موضوع‌محور ارائه می‌شوند، مؤلفان پژوهش‌های یادشده، به عنوان پژوهشی مسئله‌محور، بستر مقاله را بستر مناسب و کاراتری برای انتشار نتایج علمی حاصل از پژوهش خود دانسته و به سمت تخصصی شدن در سال‌های اخیر حرکت کرده‌اند. همچنین رشد مراکز دانشگاهی و بیشتر شدن پذیرش دانشجویان در مقاطع تحصیلی کارشناسی ارشد و دکتری می‌تواند خود زمینه‌ای برای پررونق شدن انتشار آثار در قالب مقاله باشد.

نکته‌ای که صاحبان آثار باید بدان توجه کنند، این است که به‌رغم اثرگذاری بسیار انتشار مقالات در فضای پژوهشی و عرصه تولید علم، آثار منتشر شده در قالب کتاب می‌تواند نقش مؤثرتری در امر آموزش ایفا کند.



نمودار (۱) توزیع فراوانی منابع

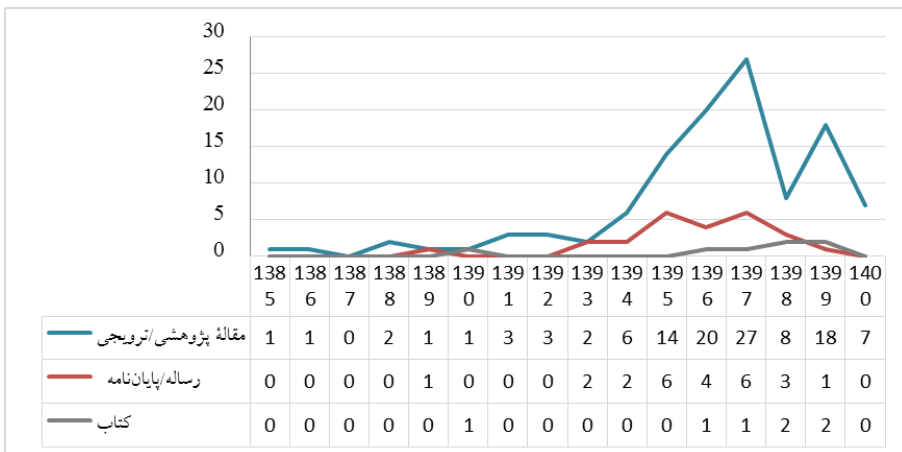
۵. سال نشر آثار

ورود مطالعات زبان‌شناسی شناختی به عرصه قرآن و حدیث از سال ۱۳۸۵ با نگرارش مقالات آغاز شده است. این مطالعات در برخی سال‌ها با روند صعودی و اقبال پژوهشگران همراه بوده و مواقعی نیز روندی نزولی داشته است؛ البته رشد روند صعودی از سال ۹۳ و رسیدن به اوج آن در سال ۹۵ به بعد قابل توجه است. انتشار آثار با موضوع میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی شناختی در حیطه قرآن و حدیث حاکی از اقبال مؤلفان و اهمیت این میان‌رشته است.

در نمودار زیر، روند رشد گونه‌های مختلف آثار قابل ملاحظه است. این نمودار توزیع فراوانی انتشارات در حوزه زبان‌شناسی شناختی علوم قرآن و حدیث را در گذر زمان نشان می‌دهد. برپایه داده‌های موجود در نمودار، بیشترین مدرک در این حوزه در سال ۹۷ و کمترین مدرک در سال ۸۷ منتشر شده است. به طور کلی بررسی داده‌های مربوط به تعداد مدارک تولیدشده به

تفکیک سال، بیانگر سیر صعودی مطالعات انجام شده در این حوزه است. این سیر در سال های اخیر بیشتر و مستمر بوده است. از دلایل رشد و سیر صعودی پژوهش ها در این عرصه می توان به توسعه مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی در دهه های اخیر و در نتیجه افزایش تعداد اعضای هیئت علمی و دانشجویان تحصیلات تکمیلی در جایگاه محققان این بخش اشاره کرد. همچنین افزایش تعداد پایگاه های انتشار در دانشگاه ها برای ارائه مقالات پژوهشگران در این حوزه، نقش مهمی در گسترش تحقیقات ایشان داشته است. ورود پژوهشگران زبان شناسی به این عرصه و انتخاب پیکره قرآنی و حدیثی به عنوان موضوع پژوهش خود، از میان برداشته شدن مرز میان رشته ها و هم گرا شدن رشته علوم قرآن و حدیث و رشته زبان شناسی و بالارفتن میزان تعاملات و مراودات پژوهشگران از عوامل مؤثر در بالا رفتن انتشار آثار است.

مسئله مهم دیگری که نباید از نظر دور داشت، برپایی کارگاه های متعدد برای معرفی عرصه های مطرح در حیطه مطالعات میان رشته ای است، که از جمله مهم ترین آن ها می توان به کارگاه «آشنایی با حیطه های معناشناسی و کاربرد آن در مطالعات قرآنی» اشاره کرد. این کارگاه به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از سال ۹۳ آغاز شده و ادامه دارد.



نمودار ۲) توزیع فراوانی انتشار آثار در پانزده سال اخیر

۶. تحلیل استنادی آثار

ارزش یک تولید علمی بر مبنای میزان تأثیر آن در مقاله‌ها و نوشته‌های بعدی است. استنادها مانند ردّ پای ثابتی هستند که سیراكتشاف، تفكرات و تجارب علمی را نشان می‌دهد و هیچ مقاله‌ای بدون استناد به دانش پیشین خود نمی‌تواند، به‌تنهایی روی پای خود بایستد. ارجاع به منابع مورد استفاده در شکل‌گیری اثر، هم باعث اعتباربخشی به اثر تألیفی یا تحقیقی می‌شود و هم جلوه‌ای از امانت‌داری مؤلف را به نمایش می‌گذارد. (همایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷۷)

تحلیل استنادی به پژوهشگر کمک می‌کند تا روابطی را که میان حقایق در دنیای ممکن وجود دارد، کشف کند؛ از جمله: روابط پیوندی میان گزاره‌های موجود در شالوده یک متن منسجم، روابط میان ارجاعات در یک متن، روابط میان متن و سند و نیز وجود روابط میان رفتارهای پژوهشی و الگوهای رفتاری محققان. امروزه این روش نه تنها روابطی را که میان آثار و مدارک مختلف از طریق استنادها و ارجاعات وجود دارد بررسی می‌کند، بلکه برای اندازه‌گیری تأثیر و کیفیت آثار علمی نیز به کار می‌رود. استنادها و تحلیل آن‌ها در مصورسازی نقشه علم و شناسایی ارتباط و همکاری‌های علمی، کشف قوانین حاکم بر رفتارهای پژوهشی و استنادی حوزه‌های مختلف و نیز تعیین جایگاه آثار تولیدشده در شبکه ارتباطات علمی، نقش مهمی ایفا می‌کند. (صمدی و فدایی، ۱۳۹۴: ۵۲) در پژوهش حاضر با ارزیابی استنادی مقالات در پی پاسخ به پرسش‌های زیر هستیم:

- میزان استناد به آثار به تفکیک آثار تألیفی، ترجمه و خارجی؛

- میزان استناد به کتاب‌ها و مقالات (داخلی و خارجی)؛

- میزان آثار تألیفی و ترجمه؛

- پراستنادترین کتاب‌ها (داخلی و خارجی)؛

- پراستنادترین نویسندگان و مترجمان (کتاب و مقاله)؛

- تعیین پوشش زبانی آثار؛

- میزان مشارکت در فعالیت‌های گروهی؛

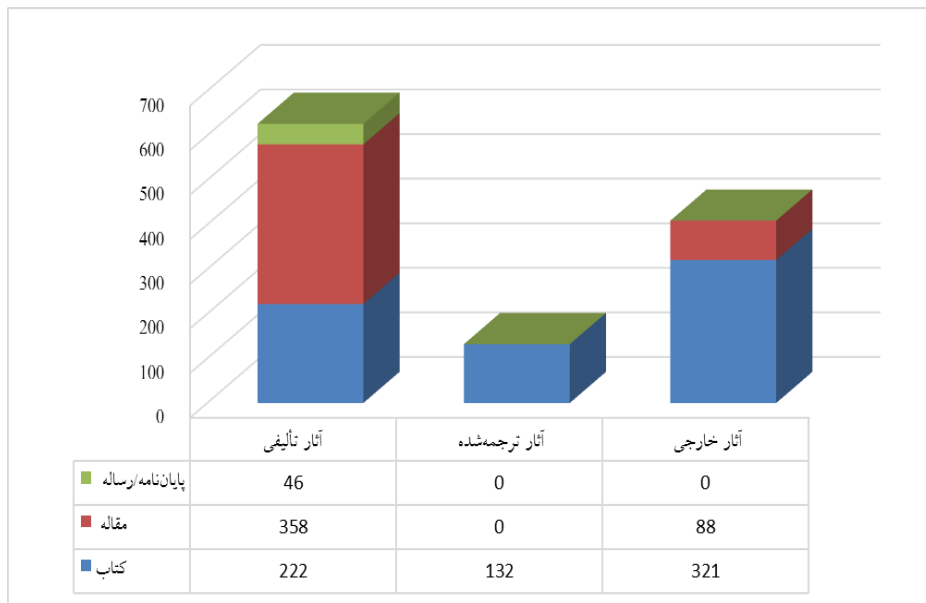
- معرفی نشریات هسته؛

- حوزه تخصصی مؤلفان آثار.

برای دستیابی به پاسخ این پرسش‌ها همه منابع مقالات، یک به یک، بررسی شد. منابع غیرمرتبط یا به عبارت دیگر غیرتخصصی در حوزه میان رشته‌ای زبان‌شناسی شناختی از دایره استنادات خارج شده و سپس منابع باقی مانده از نظر نوع استنادات مورد بررسی قرار گرفت. لازم به ذکر است که به علت نداشتن امکان دستیابی کامل به رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها، در بخش استنادات فقط مقالات، محور ارزیابی قرار گرفت. از محدودیت‌های این بخش عدم پوشش همه رکوردهای مورد نیاز پژوهش در یک پایگاه منابع است؛ بنابراین پژوهشگری باید برای گردآوری داده‌های مورد نیاز طیف گسترده‌ای از منابع اطلاعات علمی را بررسی کند. از آنجاکه در این مسیر لازم است که پژوهشگر داده‌ها را به صورت دستی بررسی و پالایش کند، نویسندگان این مقاله برای دسترسی به اطلاعات یادشده، بخش کتابنامه تک تک مقالات را، مطالعه و بررسی کردند.

۱-۶. تفکیک استنادات تألیفی، ترجمه و خارجی

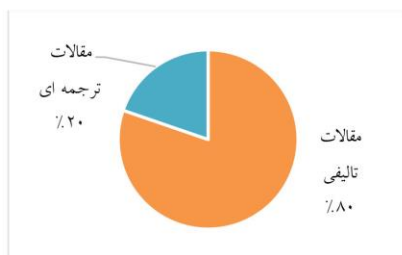
در نمودار زیر میزان استناد به تفکیک آثار تألیفی، ترجمه و خارجی قابل ملاحظه است. چنان‌که مشاهده می‌شود، میزان استناد به آثار تألیفی با میانگین ۵/۷۴ نسبت به دیگر آثار بالاتر است. این مسئله بیانگر آن است که پژوهشگران به استناد به منابع تألیفی نویسندگان داخلی تمایل بیشتری دارند.



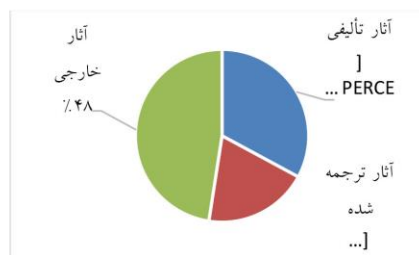
نمودار ۳) میزان استناد به تفکیک آثار

۲-۶. میزان استناد به کتاب‌ها و مقالات (تألیفی و خارجی)

بررسی میزان استفاده و استناد به انواع منابع نشان می‌دهد که در بین منابع اطلاعاتی، کتاب با اختصاص ۵۸٪ از استنادها به خود در رتبه اول قرار دارد. این میزان استناد به کتاب حاکی از کتاب‌محور بودن نویسندگان مقالات است. لازم به ذکر است که منظور از کتاب مجموعه آثار تألیفی، ترجمه و خارجی است که به تفکیک در نمودار ۴ مشخص شده است. بعد از کتاب، نشریات در رتبه دوم و رساله‌ها / پایان‌نامه‌ها در رتبه سوم قرار دارند.



نمودار ۵) میزان استناد به مقاله‌ها



نمودار ۴) میزان استناد به کتاب‌ها

رفتار استنادی پژوهشگران حاکی از تمایل بیشتر ایشان به استناد به کتاب است و این نشان دهنده اهمیت این منبع اطلاعاتی نزد پژوهشگران است. در حیطه استناد به کتاب‌ها بیشتر شاهد استناد به آثار تألیفی و ترجمه شده نسبت به آثار انگلیسی زبان هستیم. گفتنی است با اینکه کتاب منبعی در دسترس و سهل الوصول است، در پژوهش‌های امروزی نباید از منابعی چون نشریات به ویژه نشریات بین‌المللی غافل شد. این‌گونه منابع به دلیل سرعت بیشتری که در روزآمدی اطلاعات در چرخه انتشار دارند، می‌توانند منبعی مفید و اصیل برای استناد پژوهش‌ها باشند. مقاله به دلیل کوتاه بودن مطالب، سرعت انتقال، ارزان بودن، دسترسی آسان‌تر، معرفی آخرین پژوهش‌ها، شکل ارائه و گاه زبان و بیان ساده‌تر معمولاً برای پژوهشگران جذابیت بیشتری داشته و از نظر پژوهش نسبت به کتاب‌های علمی کاربرد بیشتری دارد.

تعداد کم استناد به منابع انگلیسی به ویژه در حیطه مقاله علمی دارد؛ از جمله: ناآشنایی به زبان انگلیسی یا مرتبط نبودن محتوای مقالات به حیطه قرآن و حدیث. با این حال نیاز به مراجعه بیشتر به منابع انگلیسی زبان برای پژوهش‌های روزآمدتر و غنی‌تر احساس می‌شود، ضمن اینکه این مسئله تقریباً از پیشینه کم این قبیل مطالعات در عرصه بین‌المللی حکایت می‌کند.

۳-۶. پراستنادترین کتاب‌ها

پرسامدترین کتاب در این حوزه، کتاب استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم اثر لیکاف و جانسون است که به زبان فارسی ترجمه شده است و پس از آن، معنانشناسی شناختی اثر تألیفی علیرضا قانمی نیا. نکته قابل تأمل این‌که اثر نویسنده داخلی از نگاه پژوهشگران تقریباً هم‌تراز با منبع اصلی در این حوزه قرار گرفته است. این اثر نزد پژوهشگران یکی از آثار هسته و محور به شمار می‌رود و سهم اصلی را در میزان استنادات به خود اختصاص داده است. پس از دو اثر یادشده شاهد استنادات بیشتر به آثار ذکر شده در جدول زیر هستیم. برخی آثار مهم از نویسندگان این مکاتب از نگاه محققان به حاشیه رانده شده است؛ از جمله آثار دیگر لیکاف و جانسون و البته زولتان کوچش.

ردیف	عنوان اثر	نویسنده
۱	استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم	لیکاف و جانسون
۲	معناشناسی شناختی	علیرضا قائمی نیا
۳	درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی	محمد راسخ مهند
۴	درآمدی بر معناشناسی	کوروش صفوی
۵	مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره	زولتان کوچش
۶	مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی	روشن واردبیلی

جدول ۲) توزیع استنادات در کتاب‌ها

از جمله ناشران مطرح در چاپ آثار حیطة زبان‌شناسی شناختی به ترتیب اهمیت می‌توان به انتشارات آگاه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سمت، نشر علم و نشر علمی اشاره کرد.

۴-۶. پراستنادترین نویسندگان و مترجمان (کتاب و مقاله)

بر اساس یافته‌ها فهرست پراستنادترین نویسندگان در عرصه کتاب و مقاله به ترتیب رتبه چنین است:

ردیف	پدیدآورنده مقاله	استناد
۱	قائمی نیا	۳۴
۲	گلفام	۳۰
۳	پوراابراهیم	۳۸
۴	افراشی	۲۲
۵	هوشنگی-پرگو	۱۹
۶	لیکاف	۱۹
۷	صفوی	۱۲

ردیف	پدیدآورنده کتاب	استناد
۱	لیکاف	۹۱
۲	جانسون	۸۵
۳	قائمی نیا	۶۹
۴	راسخ مهند	۳۳
۵	روشن	۲۲
۶	ایوانز و گرین	۲۰
۷	افراشی	۱۶

جدول ۴) توزیع استنادات در حیطة نویسندگان مقالات

جدول ۳) توزیع استنادات در حیطة نویسندگان کتاب

همان‌گونه که مشاهده می‌شود در حیطهٔ استناد به کتاب‌ها، پراستنادترین آثار از آن نظریه پردازان اصلی این حوزه است و همچنان که آثار این نویسندگان پراستناد است، خود آنان نیز در زمرهٔ نویسندگان پراستناد قرار گرفته‌اند. این مسئله دربارهٔ نویسندهٔ پراستناد مقالات، جناب قائمی‌نیا، نیز قابل اثبات است؛ به عبارتی می‌توان گفت که وی در ایران در زمرهٔ نویسندگان کلیدی و پرتولید قرار دارد. نکتهٔ قابل تأمل اینکه در مجموعهٔ استناد به مقالات، بیشترین استناد به مقالاتی است که توسط پژوهشگران عرصهٔ زبان‌شناسی به نگارش درآمده و پژوهش غالباً بر روی پیکرهٔ فارسی صورت گرفته است و مقالات کارشده بر روی پیکرهٔ قرآن و حدیث تقریباً به حاشیه رانده شده و به هر دلیلی نقطه اتکای نویسندگان مقالات قرار نگرفته است.

در حیطهٔ ترجمهٔ آثار، جناب جهان‌شاه میرزابیگی سهم اصلی را در میزان استنادات به خود اختصاص داده است.

۵-۶. تعیین پوشش زبانی آثار

رفتار استنادی پژوهشگران این حوزه نشان می‌دهد، که استنادها به متون فارسی و یا ترجمه متکی شده و تأثیر منابع انگلیسی در این حوزه محدود است. از آنجاکه آثار منتشرشده بیشتر به زبان فارسی است، این پژوهش‌ها در پایگاه‌های استنادی بین‌المللی که غالباً منابع انگلیسی را نمایه می‌کنند، پوشش داده نمی‌شود.

۶-۶. توزیع مقالات از نظر نویسنده (فردی و گروهی)

پژوهش در حیطهٔ یادشده از نگارش به صورت فردمحور خارج شده و میانگین مشارکت به ازای هر مقاله ۲/۱۷ است و در کمترین میزان مشارکت با یک نویسنده و حداکثر با چهار نویسنده انتشار یافته است. حرکت به سوی گروه‌مداری می‌تواند از جمله عواملی باشد که زمینهٔ گسترش آثار در این زمینه را فراهم آورده است.

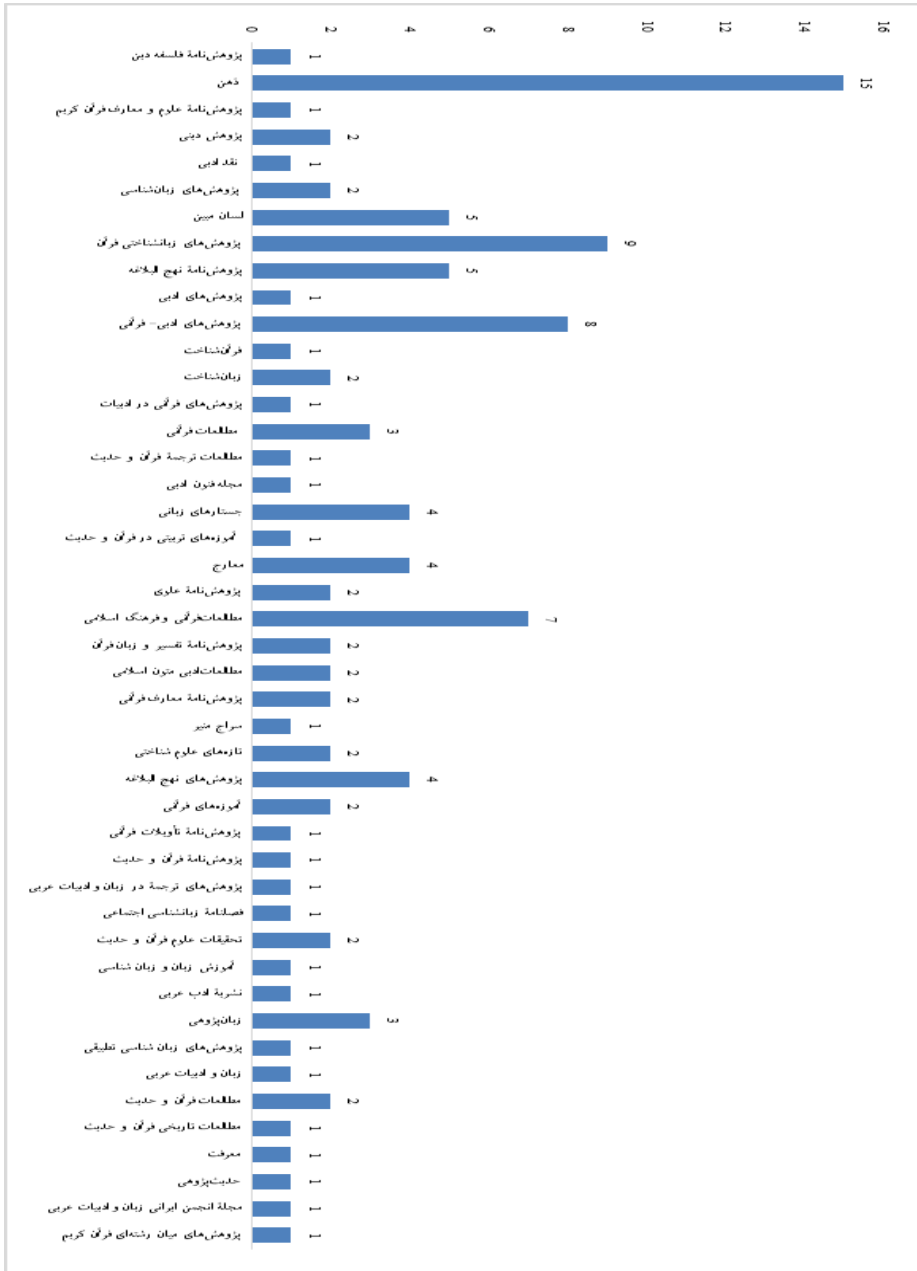
۶-۷. معرفی نشریات هسته

بررسی حوزه نشریات، که مقالات^۱ مورد مطالعه در آن‌ها به چاپ رسیده است، نشان می‌دهد که پانزده عنوان از نشریات فعال در حوزه مطالعات قرآن و حدیث در رتبه اول انتشار این آثار قرار دارند؛ به ویژه نشریاتی که مقالات با رویکرد مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حدیث را منتشر می‌کنند. از میان نشریاتی که این آثار را چاپ کرده‌اند، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن دانشگاه اصفهان بیشترین فراوانی را در بررسی محل انتشار مقالات دارد و پس از آن فصلنامه پژوهش‌های ادبی قرآنی در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. در همین راستا چهار نشریه تخصصی حوزه حدیث نیز به انتشار آثاری در این زمینه پرداخته‌اند. پس از نشریات حوزه علوم قرآن و حدیث، نشریات حوزه زبان‌شناسی با هشت عنوان نشریه در رتبه دوم انتشار این آثار و ادبیات عرب با پنج عنوان نشریه در رتبه سوم قرار گرفته‌اند.

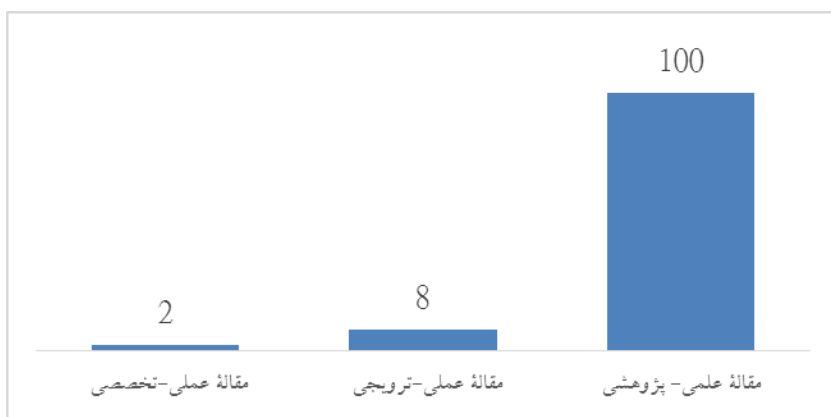
نکته قابل توجه اینکه فصلنامه ذهن پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که مقالاتی با رویکرد معرفت‌شناسی و فلسفه چاپ می‌کند، با انتشار ۱۵ مقاله بیشترین مقالات را در این حوزه منتشر کرده است.

اهمیت بررسی محل انتشار مقالات از این نظر است که به مخاطب این امکان را می‌دهد که بتواند نشریه‌ای مناسب برای انتشار اثر خود را بیابد. نمودار زیر عنوان نشریات و میزان انتشار مقالات را نشان می‌دهد.

۱. تمرکز این بخش بر بررسی محل انتشار مقالاتی در حیطه علوم قرآن و حدیث است که با رویکرد زبان‌شناسی شناختی منتشر شده است.



ارزیابی رتبه نشریات براساس مصوبه وزارت علوم نشان می‌دهد که ۳۸ نشریه دارای رتبه علمی - پژوهشی و چهار نشریه علمی - ترویجی بوده است. این موضوع بیانگر اهمیت، ضرورت و جایگاه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در مقایسه با دیگر آثار حوزه مطالعات قرآنی - حدیثی است. درصد پذیرش و چاپ مقاله علمی - پژوهشی نیز حاکی از این مطلب است که چنانچه تولیدات علمی در این بخش با دقت و روش درست پیش برود، به طور قطع از ارزش علمی بالایی برای چاپ در مجلات با رتبه علمی برخوردار خواهد بود. از آنجاکه برای ورود به مقاطع تحصیلات تکمیلی به ویژه دکتری و پسادکتری و همچنین دفاع از رساله، دانشجویان و پژوهشگران باید مقالات پذیرفته یا چاپ شده علمی داشته باشند، به نظر می‌رسد که این روند تا حدودی در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حدیث با رویکرد زبان‌شناسی عرصه را برای آنان به شکل مطلوب‌تری فراهم می‌کند.

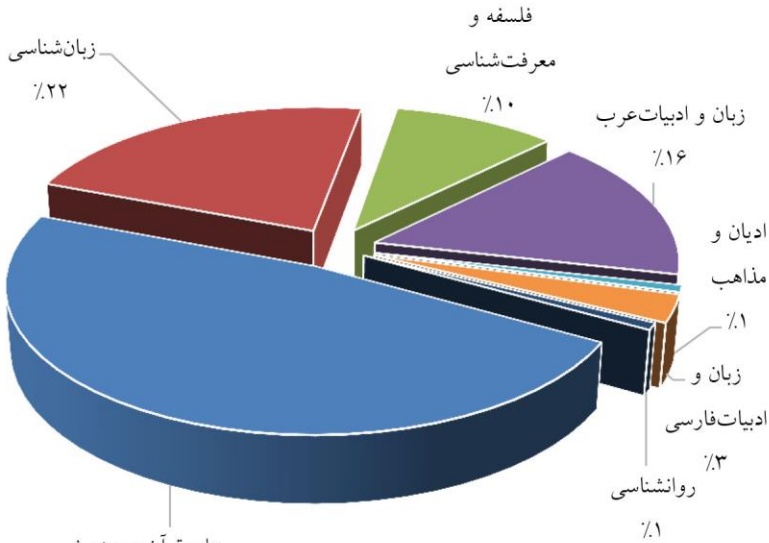


نمودار (۷) رتبه بندی نشریات

۶-۸. حوزه تخصصی مؤلفان آثار

از میان رشته‌هایی که این حوزه پژوهشی را مبنای کار خود قرار داده‌اند، رشته علوم قرآن و حدیث ۴۸٪ از این پژوهش‌ها را در قالب مقاله، رساله، پایان‌نامه و کتاب به خود اختصاص داده است و پس از آن، رشته زبان‌شناسی با انتشار ۲۲٪ از این آثار در رتبه دوم

قرار دارد. نمودار زیر دیگر رشته‌های ورود کرده به این عرصه را نشان می‌دهد؛ رشته‌هایی مانند ادبیات عرب، معرفت‌شناسی و فلسفه، و زبان و ادبیات فارسی.



نمودار (۷) بسامد پژوهش‌های انجام‌شده به نسبت رشته

تحولات جدید دهه‌های اخیر باعث شده است که پژوهشگران و نهادهای پژوهشی به مطالعات مشارکتی و میان‌رشته‌ای توجه کنند. این امر به علت ضرورت جامع‌نگری در حل مسائل، فهم پیچیدگی و چندبعدی بودن مسائل پیش روی محققان میان‌رشته‌ای و بهره‌گیری از دیگر متخصصان رشته‌های علمی شکل گرفته و باعث هم‌گرایی رشته‌ها شده است. توسعه میان‌رشته‌ای باعث تعامل میان دو یا چند رشته مختلف، زمینه‌سازی برای رشد و توسعه علوم و افزایش توانمندی‌ها برای حل مشکلات پیچیده و چندوجهی می‌شود.

بی‌شک تولید علم میسر نخواهد شد، مگر با بهره‌گیری از دانش‌ها و ابزارهای جدید در پاسخ‌گویی به مسائل هر علم؛ به عبارت دیگر مطالعات میان‌رشته‌ای با تولید علم که خود حرکتی مؤثر است، می‌تواند به بازسازی و بازخوانی دانش‌ها به ویژه دانش‌های قرآنی و

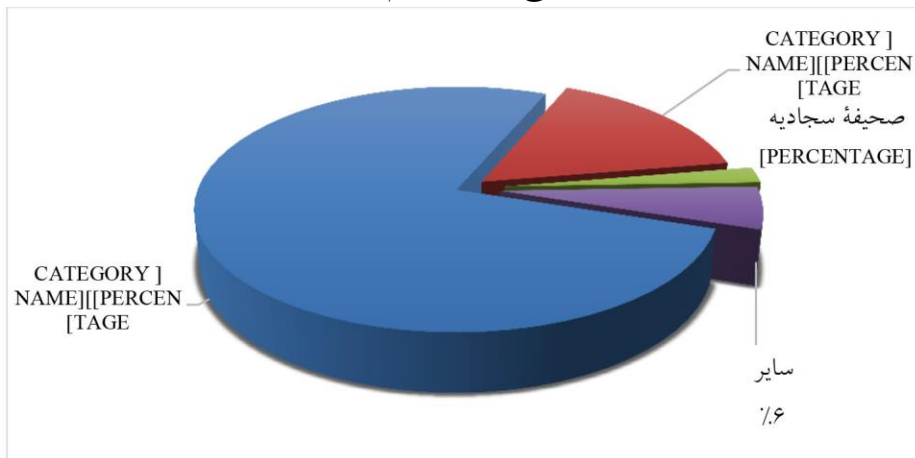
حدیثی بینجامد. بهره‌گیری از دیگر دانش‌ها در فهم قرآن و حدیث به معنای استفاده از ابزارهایی نو و روزآمد در حل مسائل این شاخه علمی و مهم تراز آن راهی برای عرضه پیام جهان شمول قرآن کریم با روش‌هایی علمی و قابل پذیرش و نقد در عرصه جهانی به شمار می‌آید.

۷. ارزیابی کیفی آثار

در این بخش به بررسی کیفی آثار پرداخته می‌شود. نتایج بررسی مقالات در سه بخش پیکره‌هایی که مطالعات در بستر آن به انجام رسیده، حیطه‌های پژوهش و همچنین بررسی اختصاری آثار قابل طبقه‌بندی است.

۱۷. پیکره پژوهش

نتایج بررسی پژوهش‌هایی که با رویکرد مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حدیث انجام شده است، نشان می‌دهد که پژوهشگران به تمام متون دینی یعنی قرآن و حدیث توجه داشته‌اند؛ اما براساس داده‌های نمودار شماره ۸ بیشترین تمرکز با بسامد ۷۶٪ بر قرآن کریم است و مطالعاتی که با تمرکز بر متن نهج‌البلاغه انجام شده تنها ۱۶٪ است.



نمودار ۸) پیکره پژوهش‌ها

به این ترتیب روشن می‌شود که با وجود ظرفیت فراوانی که در دیگر متون دینی مانند

نهج البلاغه و صحیفه سجادیه وجود دارد، این متون تاکنون مورد توجه کافی قرار نگرفته و خلأ پژوهشی در این بخش مشهود است. اگرچه این نکته به طور قطع به این معنا نیست که کار بر روی متن قرآن کریم کافی بوده و پژوهشگران باید به همین میزان بسنده کنند؛ بلکه موضوعات و حوزه‌های فراوانی در بررسی‌های قرآنی مغفول مانده که به آن در بخش دامنه پژوهش اشاره شد. به هر رو در مقایسه با فراوانی پژوهش‌هایی که بر پیکره قرآنی انجام شده، به دیگر متون دینی کمتر توجه شده است. این امر به خوبی می‌تواند زمینه‌ها و بسترهای آماده پژوهشی را به علاقه‌مندان مطالعات میان‌رشته‌ای معرفی کند.

با وجود اینکه نهج البلاغه به اذعان اندیشمندان اسلامی و غیراسلامی کلامی سراسر فصاحت و شگفتی در سخن است، در حوزه رویکرد شناختی هنوز جای اصلی خود را در میان پژوهش‌ها نیافته است. ابن ابی‌الحدید معتزلی - از دانشمندان معروف اهل سنت در قرن هفتم هجری - در شرح خود بر نهج البلاغه، بارها در این زمینه سخن گفته و در برابر فصاحت و بلاغت فوق‌العاده آن سر تعظیم فرود آورده است. او ذیل خطبه ۲۲۱ بعد از شرح بخشی از کلام امام علی علیه السلام دربارهٔ برزخ می‌گوید:

اگر تمام فصحای عرب در مجلس واحدی اجتماع کنند و این بخش از خطبه برای آن‌ها خوانده شود، سزاوار است که برای آن سجده کنند؛ چنان‌که روایت کرده‌اند هنگامی که شعرای عرب شعر معروف عدی بن الرقاع (قلم أصاب...) را شنیدند، برای آن سجده کردند و چون از علت آن سؤال شد، گفتند: ما محلّ سجود در شعر را می‌شناسیم، آن‌گونه که شما محلّ سجود را در قرآن (آیات سجده) می‌شناسید. (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴: ۱۱ / ۵۳)

جورج جرداق، نویسنده معروف مسیحی، نیز در کتاب *الإمام علی صوت العدالة الإنسانیة* در پایان فصلی که به بیان شخصیت علی علیه السلام پرداخته، دربارهٔ فصاحت و بلاغت نهج البلاغه می‌گوید: در بلاغت فوق بلاغت هاست، قرآنی است که از مقام خود اندکی فرود آمده، سخنی است که تمام زیبایی‌های زبان عرب را در گذشته و آینده در خود جای داده تا آنجا که دربارهٔ گوینده آن گفته‌اند که سخنش پایین‌تر از کلام خالق و بالاتر از کلام

مخلوق است. (جرداق، ۱۹۵۶: ۱/ ۴۷)

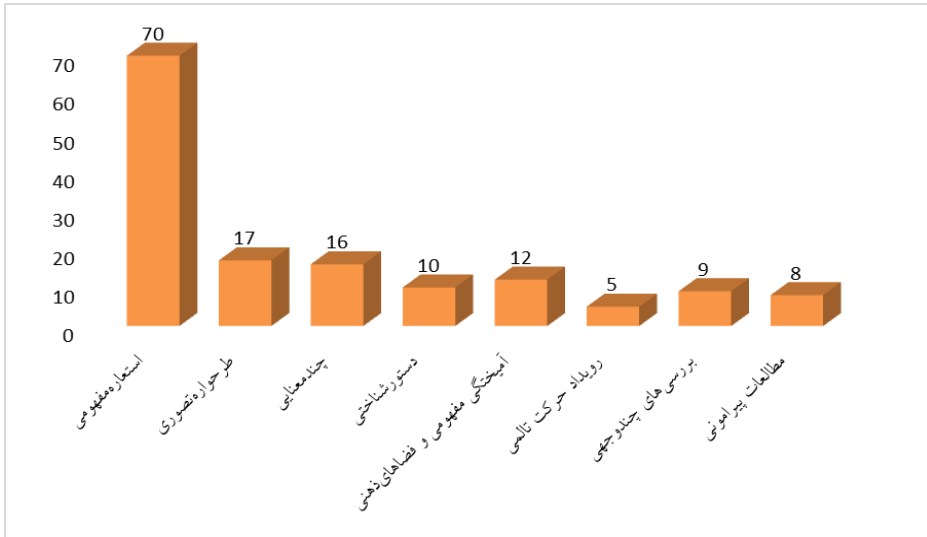
به نظر می‌رسد بررسی متن و محتوای نهج البلاغه براساس رویکردهای زبان‌شناسانه به‌ویژه با رویکرد شناختی - با توجه به خلأ کاربست رویکرد شناختی در پژوهش‌های مرتبط با نهج البلاغه - فرصت مناسبی برای واکاوی معارف نوین نهج البلاغه فراهم می‌کند. این موضوع دربارهٔ صحیفهٔ سجادیه نیز صادق است. این کتاب پس از قرآن کریم و نهج البلاغه، سومین منبع ارزشمند در میان اهل علم شمرده می‌شود که به نام‌های اخت القرآن، انجیل اهل بیت علیهم‌السلام و زبور آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مشهور است و خود دلیلی بر جایگاه رفیع این کتاب است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۵۵: ۱۵/ ۱۸) در میان ۱۱۲ مقالهٔ علمی احصاشده در این پژوهش تنها در سه مقاله، پیکرهٔ مورد بررسی از کلام امام سجاد علیه‌السلام در صحیفهٔ سجادیه انتخاب شده است.

افزون بر موارد پیش‌گفته، در میان پژوهش‌های انجام‌شده مشاهده می‌شود که گاهی پیکره‌هایی غیر از قرآن، نهج البلاغه یا صحیفهٔ سجادیه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ مانند «تحلیل استعارهٔ مفهومی عقل در روایات و کارکردهای آن» که پیکرهٔ مورد پژوهش در آن کتاب خردگرایی در قرآن و حدیث از آیت‌الله محمدی ری‌شهری است. در مواردی نیز پژوهش رویکرد پیکره‌بنیاد ندارد؛ بلکه به تحلیل کیفیت کاربست زبان‌شناسی شناختی در مطالعات قرآنی اختصاص دارد؛ مانند مقالهٔ «درآمدی بر کاربست علوم شناختی در مطالعات قرآنی» یا «ضرورت کاربست زبان‌شناسی شناختی در فهم قرآن و دستاوردهای آن»؛ بنابراین باید اشاره شود که منظور از «سایر» در نمودار ۸ این‌گونه مطالعات است.

۲-۷. حیطه‌های پژوهش

یکی از مهم‌ترین اهداف مقاله حاضر معرفی رویکردهای کارشده، ارائهٔ مسیر پژوهش، بیان خلأها و فرصت‌های مناسب پژوهش‌های آینده در موضوعات مختلف زبان‌شناسی شناختی است. برای دستیابی به این هدف، تعداد ۱۱۲ مقاله، نه رساله، پانزده پایان‌نامه

کارشناسی ارشد و نیز شش کتاب بررسی شده که نتایج آن در نمودار ۹ مشاهده می‌شود.



نمودار ۹) رویکردها و موضوعات کارشده در پژوهش‌ها

از میان رویکردهای گوناگون زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی با اختلاف زیادی از دیگر رویکردها مورد توجه زیادی قرار گرفته است. این امر البته به معنای نبود زمینه‌های آینده برای مطالعات در حوزه استعاره مفهومی نیست و این شیوه یعنی مطالعات استعاره‌محور در سراسر جهان مورد استقبال عموم پژوهشگران قرار گرفته است، که این امر را می‌توان به اثرگذاری دو منبع مهم در استعاره مفهومی، یعنی کتاب‌های مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره (کوچش، ۲۰۰۲) و استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳) مربوط دانست.

همچنین از آنجاکه بحث استعاره مفهومی ارتباط عمیقی با شناخت و ادراک بشر از جهان واقع دارد و ذهن بشر با ایجاد نگاهت‌های مفهومی برگرفته از حوزه مفاهیم عینی و مادی برای تبیین و توصیف مفاهیم ناشناخته و انتزاعی استفاده می‌کند. (کوچش، ۱۳۹۵) از آنجاکه این حوزه به طور طبیعی از نخستین اولویت‌های مطالعاتی است،

پژوهش‌های فراوانی در این حیطة مشاهده می‌شود.

پس از استعاره مفهومی، مباحث چندمعنایی و طرح‌واره‌ها بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. در پژوهش‌هایی که در حوزه چندمعنایی انجام شده است، پرداختن به حروف اضافه مورد توجه بوده و حروف اضافه‌ای مانند «عَنْ، فِی، عَلَی، مِنْ، إِلَى و...» در پیکره قرآن کریم پژوهش شده؛ اما بررسی‌های عمیق‌تر و جامع‌تر، مطالعات مقایسه‌ای و بررسی این حروف در دیگر پیکره‌ها از جمله زمینه‌هایی است که هنوز مورد مذاقه پژوهشگران قرار نگرفته است.

نمونه دیگر از زمینه‌های موجود مفهوم حرکت است؛ زیرا به حوزه حرکت - که یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین کنش‌های اولیه و جهانی بشر است - توجه کافی مبذول نشده است. موضوع حرکت به ویژه در مطالعات مرتبط با نظریه لئونارد تالمی^۱ (۲۰۰۰) در پژوهش‌های جهانی جایگاه خود را یافته است. مؤید این امر آن است که در مطالعات بین‌المللی مرتبط با رویداد حرکت، در یک مورد از بررسی‌ها ۲۶۲ مقاله در پایگاه اسکوپوس یافت شد که به مطالعه در زمینه رویداد حرکت با رویکرد تالمی مربوط بود و از این میان، بیست پژوهش بر حروف اضافه و ارتباط آن با رویداد حرکت تمرکز داشت. (حبیبی، ۱۴۰۰: ۳)

این خلأها در دیگر رویکردها و موضوعات نیز مشاهده می‌شود؛ به عنوان نمونه در زمینه دستور شناختی، بسترهای بسیار فراخ و مناسبی پیش روی پژوهشگران قرار دارد و مطالعات چندانی تاکنون انجام نشده است. نکته مهم در دستور شناختی این است که نحو در این رویکرد از دیگر سطوح زبانی مستقل تلقی نمی‌شود. در دستور شناختی، زبان

۱. فعالیت‌های حرکت مفهومی جهانی است که با عناصر متفاوتی در روساخت زبان‌های گوناگون بازنمایی می‌شود. رویداد حرکت در نظریه تالمی عبارت است از شرایط یا حالتی که عنصر متحرک، یعنی پیکردارای حرکت یا توالی موقعیت‌های مکانی مختلف است و عنصر اصلی تشکیل‌دهنده گزاره‌ها برای بیان رویداد، فعل هر رویداد است؛ از این رو بررسی فرایند بازنمایی حرکت و مؤلفه‌های آن بر مبنای ریشه فعل، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. (Talmy, 2000:23-26)

کارکردی نشانه‌ای دارد، که این امکان نهادینه شدن ساختارهای مفهومی به‌سیله ساختارهای آوایی را فراهم می‌آورد و برای تحقق این امر، یک زبان باید به ساختارهای معنایی، واجی و رابطه بین این دو ساختار مجهز باشد. (Langacker, 2008: 5) دستور زبان در ارتباط دادن صورت (ساختار واجی) و معنا (ساختار معنایی) تعریف می‌شود؛ بنابراین چون ساختار و نحو در ایجاد معنا دخیل است، همه عناصر آن دارای معنا و در خدمت معنا سازی است و بدین سان حوزه مستقلی از معنا ندارد. (پهلوان‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۷: ۶۴) این رویکرد زبان‌شناسی شناختی می‌تواند، روش مؤثری برای پژوهش‌های نحوی در پیکره‌های دینی باشد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود این است که از مهم‌ترین آثار ورود پژوهشگران قرآنی به این حیطه مهم مطالعاتی و انجام پژوهش‌های میان‌رشته‌ای - که عموماً به صورت مشترک با همکاری استادان و دانشجویان زبان‌شناسی صورت گرفته - تعمیق پژوهش‌ها، بهبود و تقویت جنبه قرآنی - حدیثی پژوهش‌ها بوده است؛ زیرا پیش از آغاز این نوع همکاری‌ها مشاهده می‌شود، که تنها براساس ترجمه‌های قرآنی و نه نص عربی آن انجام گرفته و این امر به‌عنوان یک نقطه ضعف در آثار یادشده تلقی می‌شود.

۷-۳. ارزیابی محتوایی

با بررسی همه آثار نوشته‌شده در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن‌کریم و زبان‌شناسی شناختی مشاهده می‌شود که محتوای این مطالعات به دو بخش کلی آثار پیکره‌بنیاد و غیرپیکره‌بنیاد تقسیم می‌شود. منظور از غیرپیکره‌بنیاد این است که محتوای مقاله بر مبنای یک متن مثلاً قرآن‌کریم، نهج‌البلاغه یا صحیفه سجادیه شکل نگرفته و مسائل دیگری در حیطه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و زبان‌شناسی شناختی مورد توجه پژوهشگر بوده است. گرچه تعداد این آثار فقط چهار مقاله و یک پایان‌نامه است، از آنجا که این روش پژوهش، یعنی به‌کارگیری زبان‌شناسی شناختی، در حوزه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای شیوه‌ای نوین در مطالعات قرآنی به‌شمار می‌آید، به نظر می‌رسد که نقد و بررسی روشمند

آن می‌تواند، نخست در شناساندن نقاط ضعف و قوت آن بسیار راهگشا باشد و دوم اینکه به تعمیق و گسترش این روش علمی کمک شایانی کند.

به عنوان نمونه در برخی از این آثار ضرورت کاربرد زبان‌شناسی شناختی در فهم قرآن و دستاوردهای این‌گونه پژوهش‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در یکی از مقالات با عنوان «درآمدی بر کاربرد علوم شناختی در مطالعات قرآنی» به این موضوع پرداخته شده که علوم شناختی از دو نظر برای مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم مفید است: نخست از این نظر که می‌تواند ارتباط یک فرارشته با مطالعات قرآنی را تبیین و ارزیابی کند و دوم اینکه علوم انسانی و به ویژه مطالعات قرآنی به علت ارتباط ناگسستنی با متن، ترجمانی از دو مقوله ذهن و فرهنگ خواهند بود و از سوی دیگر، علوم شناختی نیز ارائه تفاسیر مناسب از ذهن و فرهنگ را در محوریت مباحث خود دارند. (درزی، ۱۳۹۷: ۱)

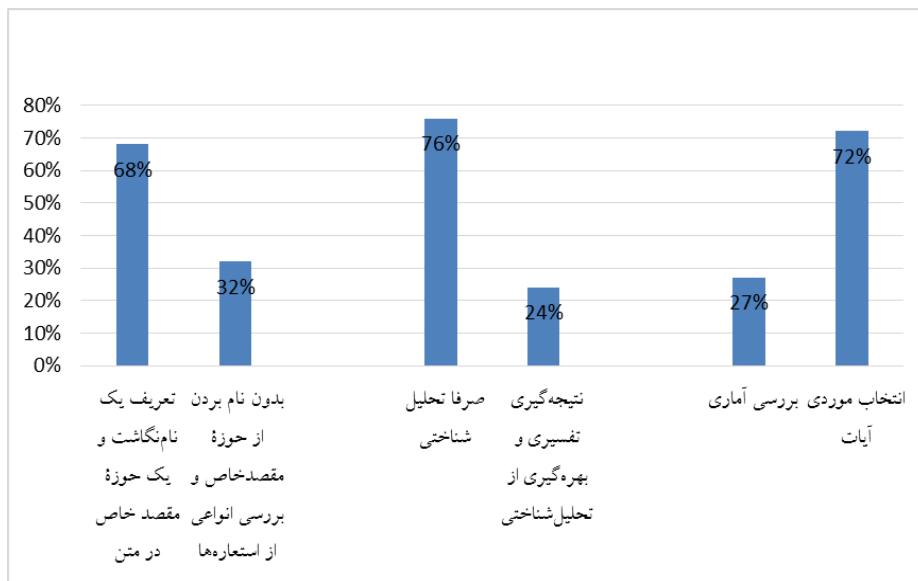
در مقاله‌ای دیگر با عنوان «معنا و شناخت در قرآن با نگاهی به تفسیر تسنیم» چنان‌که از عنوان مقاله مشخص است؛ نویسنده محور پژوهش خود را یک تفسیر قرار داده و مبانی معناشناسی شناختی را در آن تحلیل کرده است. البته به علت اینکه در این پژوهش، متن تفسیری مورد توجه است، پژوهش می‌تواند گونه‌ای از مطالعات پیکره‌بنیاد تلقی شود؛ اما از آنجاکه در آن به نقد و بررسی مؤلفه‌های شناختی و جایگاه معناشناسی یا نحوه کاربرد آن به وسیله مفسر پرداخته شده، وجهی از غیرپیکره‌بنیاد بودن نیز در آن مشاهده می‌شود.

از میان رویکردهای گوناگون زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی با اختلاف زیادی از دیگر رویکردها مورد توجه زیادی قرار گرفته است. استعاره مفهومی در پژوهش‌های مورد بررسی به طور کلی دو مسیر را طی کرده است. گروهی با تعریف یک نام نگاشت و یک حوزه مقصد خاص در متن به بیان و تبیین انواع آیات که قابل تطبیق با حوزه مقصد مورد نظر باشد، پرداخته‌اند. این مسیر شامل ۶۸٪ از پژوهش‌های حوزه استعاره مفهومی است و ۳۲٪ باقی مانده نیز شامل مسیر بعدی است که بدون نام بردن از حوزه مقصد خاص به بررسی انواعی از استعاره‌ها با حوزه‌های مقصد متفاوت پرداخته

است.

علاوه بر تقسیم‌بندی پیش‌گفته، پژوهش‌های با موضوع استعاره مفهومی را می‌توان به دو گروه بررسی آماری و انتخاب موردی آیات تقسیم کرد؛ به این معنا که ۲۷٪ از پژوهش‌ها دارای بررسی‌های آماری برای حوزه‌های خاص بودند و ۷۳٪ باقی‌مانده با انتخاب موردی آیات، به تبیین یک نام‌نگاشت می‌پرداختند.

در بیشتر تحقیقات مورد بررسی در متون دینی صرفاً به استخراج استعاره مفهومی پرداخته شده و تحلیل‌های شناختی در پژوهش ارائه شده بود و تنها ۲۴٪ از این گروه از پژوهش‌ها به بررسی و نتیجه‌گیری تفسیری و تبیین آیات با توجه به تحلیل شناختی پرداخته بودند.



نمودار (۱۰) ارزیابی محتوایی مقالات در حیطه استعاره مفهومی

نتیجه

در سال‌های اخیر افزایش رو به رشد پژوهش‌ها در حیطه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و حدیث به ویژه در حیطه زبان‌شناسی شناختی، بیانگر علاقه پژوهشگران به این مباحث

در سطح تخصصی و دانشگاهی است. مرور نظام‌مند و تحلیل استنادی صورت‌گرفته بیانگر آن است که رشته علوم قرآن و حدیث و زبان‌شناسی گرایش شناختی در هم‌گرایی با یکدیگر قرار گرفته و زمینه وجود یک میان‌رشته را پدید آورده‌اند. ارزیابی پژوهش‌های صورت‌گرفته در حیطه کمی و کیفی می‌تواند ضمن ارائه نقاط ضعف و قوت آثار موجود، برای اصلاح روند پیش‌رو در چینه‌های نوین مطالعاتی را به روی پژوهشگران بگشاید.

برای مرور نظام‌مند و تحلیل استنادی پژوهش‌های انجام‌شده در حیطه مطالعات قرآن و حدیث و زبان‌شناسی شناختی با جمع‌آوری پژوهش‌های ثبت‌شده در پانزده سال اخیر در پایگاه‌های نمایه‌کننده ۱۱۲ مقاله، نه رساله، پانزده پایان‌نامه و نیز شش کتاب با رویکرد مطالعات شناختی قرآن و حدیث استخراج شد و آثار از نظر نحوه انتشار، سال نشر، میزان استناد به آثار، نویسندگان (به تفکیک مقاله و کتاب)، پوشش زبانی آثار، میزان مشارکت، معرفی نشریات، حوزه تخصصی مؤلفان آثار، پیکره پژوهش، و حیطه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفت:

۱. پژوهشگران برای نشر آثار خود محمل اطلاعاتی مقاله را مناسب دیده‌اند؛ از این رو با فاصله زیادی نسبت به کتاب، شاهد انتشار مقالات در این حوزه هستیم. این حرکت رو به رشد زمینه تخصصی شدن در این حیطه را فراهم آورده است؛
۲. توزیع فراوانی انتشارات حوزه زبان‌شناسی شناختی علوم قرآن و حدیث بیانگر سیر صعودی مطالعات انجام‌شده در این حوزه است. از دلایل رشد و سیر صعودی پژوهش‌ها در این عرصه می‌توان به توسعه مراکز دانشگاهی و تحقیقاتی، افزایش تعداد پایگاه‌های انتشار در دانشگاه‌ها برای ارائه مقالات پژوهشگران، بالا رفتن تعاملات میان‌رشته‌ای، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و ... اشاره کرد. پیکره بنیاد بودن قریب به اتفاق پژوهش‌ها نشان از علمی و روشمند بودن نظریه‌های موجود در مقالات دارد؛
۳. پژوهشگران عرصه علوم قرآن و حدیث و پس از آن پژوهشگران عرصه زبان‌شناسی بیش از دیگر رشته‌ها این حوزه پژوهشی را مبنای کار خود قرار

- داده‌اند. همکاری و تعامل دورشته‌ی یادشده به انجام پژوهش‌های دقیق‌تر خواهد انجامید؛
۴. میزان استناد به آثار تألیفی با میانگین ۵/۷۴ نسبت به دیگر آثار بالاتر است. این مسئله بیانگر آن است که پژوهشگران تمایل بیشتری به استناد به منابع تألیف‌شده از سوی نویسندگان داخلی دارند؛
۵. کتاب در بین دیگر منابع اطلاعاتی ۵۸٪ از استنادها را به خود اختصاص داده و در رتبه‌ی اول قرار گرفته است. این میزان استناد به کتاب حاکی از کتاب‌محور بودن مقالات است؛
۶. کتاب استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم از لیکاف و جانسون و کتاب معناشناسی شناختی از علیرضا قائمی نیا پراستنادترین کتاب‌های این حوزه به شمار می‌آیند؛
۷. از بررسی استنادی پدیدآورندگان کتاب مشخص می‌شود که لیکاف و جانسون، قائمی نیا و راسخ‌مهند بالاترین استناد را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین قائمی نیا، گلفام و پورابراهیم بالاترین میزان استناد را در بین نویسندگان مقالات کسب کرده‌اند؛
۸. رفتار استنادی پژوهشگران این حوزه نشان می‌دهد که استنادها بر متون فارسی و یا ترجمه‌شده متکی است و تأثیر منابع انگلیسی در این حوزه محدود است؛
۹. پژوهش‌ها به سمت گروه‌مداری حرکت کرده و از فردمحوری خارج شده است؛
۱۰. نتایج بررسی آثار چاپ‌شده در مجلات مختلف ضمن معرفی نشریات فعال در این زمینه نشان‌دهنده‌ی این است که فصلنامه‌ی ذهن نشریه‌ی محوری و مورد نظر پژوهشگران برای چاپ آثار خود است؛
۱۱. در پژوهش‌های انجام‌شده، متن قرآن کریم بیش از دیگر متون دینی، از جمله نهج‌البلاغه و صحیفه‌ی سجادیه محور پژوهش‌های شناختی پژوهشگران بوده و این بررسی نشان می‌دهد که عرصه‌ی روایات نسبت به قرآن مغفول مانده است؛

۱۲. استعاره مفهومی و پس از آن مباحث چندمعنایی و طرح‌واره‌ها بیشترین بسامد پژوهش‌ها را به خود اختصاص داده است؛ درحالی‌که برخی از نظریه‌های مطرح در حیطه شناختی، محل ورود پژوهشگران نیست و از این رو می‌تواند عرصه‌ای جدید برای پژوهش به شمار آید؛
۱۳. تبیین‌های جدیدی از آیات و در پی آن رفع برخی اشکالات تفسیری از ارزش‌های این نوع مطالعات نزد اندیشمندان اسلامی است؛
۱۴. نظربه گسترده‌گی پژوهش با محوریت استعاره‌های مفهومی، بررسی‌ها در این زمینه نشان می‌دهد که مطالعات صورت‌گرفته را می‌توان از نظرهای مختلف ارزیابی کرد.

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، مکتبه کتابخانه‌ایة الله المرعشی النجفی، قم، ۱۴۰۴ق.
۲. افراشی، آریتا، مبانی معناشناسی شناختی، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۵ش.
۳. آقابزرگ تهرانی، محمدمحسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة؛ بی‌جا: مطبعة الغری، ۱۳۵۵ش.
۴. پهلوان نژاد، محمدرضا و دیگران، «مفهوم‌شناسی "هنوز" در دستور شناختی»، نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ش.
۵. جرداق، جرج، الإمام علی صوت العدالة الإنسانیة، دارالفکر الإسلامية، بیروت، ۱۹۵۶م.
۶. حبیبی، فاطمه، «بررسی استعاره‌های مفهومی زبان در قرآن کریم با رویکرد شناختی»، رساله دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء (ع)، تهران، ۱۳۹۷ش.
۷. حبیبی، فاطمه، «شبکه معنایی حروف اضافه رویداد حرکتی "رفتن" در قرآن کریم: مطالعه موردی حرف "إلی"»، مجله علم زبان، انتشار آنلاین از تاریخ ۱۹ تیر ۱۴۰۰، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۴۰۰ش.
۸. درزی، قاسم، «درآمدی بر کاربست علوم شناختی در مطالعات قرآنی»، نشریه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال دوم، پیاپی ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷ش.

۹. صمدی، لاله و غلامرضا فدایی، «تحلیل استنادی به مثابه روش تحقیق»، فصلنامه پژوهش‌های علم‌سنجی، شماره ۲، ۱۳۹۴ ش، ص ۵۱-۷۰.
۱۰. عباسی، مهدی و سیدحسین سراج‌زاده، «مسائل روش شناختی در مرور نظام مند همراه با ارزیابی مقالات ایرانی مبتنی بر این روش»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره ۳، ۱۳۹۵ ش، ص ۱۳۲-۱۶۰.
۱۱. غفاری، سعید و رقیه عباس‌زاده، «مدیریت منابع خاکستری در کتابخانه‌های دانشگاهی: مطالعه موردی دانشگاه تبریز»، علوم و فنون مدیریت اطلاعات، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۸ ش.
۱۲. فرهنگی، سهیلا و دیگران، «پژوهش‌های عرفانی در آینه علم‌سنجی»، نشریه پژوهش‌های ادب عرفانی، شماره ۱، ۱۳۹۷ ش، ص ۱-۲۴.
۱۳. قاسمی، علی اصغر و راضیه امامی میبیدی، «نقش و جایگاه مطالعات میان‌رشته‌ای در توسعه علوم انسانی کشور»، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۴، ۱۳۹۴ ش، ص ۱-۱۹.
۱۴. قاضی‌زاده طباطبائی، محمود و ابوعلی دادهیر، فراتحلیل در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری، جامعه‌شناسان، تهران، ۱۳۸۹ ش.
۱۵. کوچش، زولتان، زبان، ذهن و فرهنگ: مقدمه‌ای مفید و کاربردی، ترجمه جهان‌شاه میرزایی، نشر آگاه، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۵ ش.
۱۶. کوچش، زولتان، مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره، ترجمه شیرین پوراابراهیم، سمت، تهران، ۱۳۹۵ ش.
۱۷. محمدزاده، خلیل‌علی و دیگران، «مرور نظام مند سه دهه مقالات پژوهشی مدیریت سلامت جمعیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال شانزدهم، شماره ۶۱، ۱۳۹۲ ش، ص ۸-۵۷.
۱۸. معرفت، محمدهادی، تفسیر و مفسران، مؤسسه فرهنگی تمهید، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۹. مهرشاد، احمد و دیگران، «مرور نظام مند مقالات علمی شبکه اجتماعی، مورد مطالعه: اصفهان»، فصلنامه علمی پژوهشی جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۳۱، شماره ۸۷، ۱۳۹۹ ش، ص ۶-۴۰.
۲۰. همایی، بهروز و دیگران، «تحلیل استنادی مقالات فصلنامه معرفت فلسفی»، شماره ۱، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۷۵-۱۹۴.

1. Hall, G. M., *How to Write a Paper*, 3th ed. London, Bmj Publishing Group, P.92-98, 2003.
2. Kovecses, Z., "Metaphor: A practical Introduction", Oxford, Oxford university press, 2002.

3. Lakoff, Georg & Johnson, Mark, *Metaphors we live by*, Chicago, The University of Chicago Press, 2003.
4. Langacker, Ronald. W., *Cognitive grammar; a basic introduction*, NY: Oxford University Press, 2008.
5. Lee, D., *Cognitive Linguistics: An Introduction*, Oxford, Oxford University Press, 2001.
6. Saeed, J. I., *Semantics*, Massachusetts, Blackwell, 1997.
7. Talmy, *Toward a cognitive semantics*, vol. 2, Cambridge, MIT Press, 2000.